

فہرست

خیابان گاندی

ساناز سید اصفہانی



سیگانہ
پنج بجک

ایچ

دوم شخص عزیز

چائورانگا

تصیر

خاموشی

کافہ گاندی

نامہ بہ چنگیز

نخود سیاہ و نمرش

طناب و مروسک

سایہ فراری

دل آیتہ

فهرست

سیب گاززده

۷	سیب گاززده
۳۱	پیچ پیچک
۵۵	ایرج
۷۱	دوم شخص عزیز
۱۰۷	چاتورانگا
۱۳۱	تقصیر
۱۵۱	خاموشی
۱۶۳	کافه گاندی
۱۸۹	نامه به چنگیز
۱۹۷	نخودسیاه و ثمرش
۲۰۱	طناب و عروسک
۲۰۵	سایه‌ی فراری
۲۱۷	دل آینه

سیبِ گاززده

گیج گیج شده‌ام. به سنجاق قفلی‌ها نگاه می‌کنم. قلبم تند تند می‌زند. انگار یک پروانه توی قلبم دارد بال‌بال می‌زند. سنجاق قفلی‌هایی که از جعبه‌ی خیاطی مامان‌جان کش رفته‌ام، با دهان باز منتظرم هستند. تندتند سرسوزنی‌شان را توی کلاه چاک‌دارشان می‌اندازم. سروته همه‌ی سنجاق قفلی‌ها را همین‌جور مثل دم‌موش به هم وصل می‌کنم. بعد نگاهشان می‌کنم. می‌خواهم عین گردن‌بند خانمِ عشقِ روباه شود. آفتاب، بدجوری چشمم را می‌سوزاند. باید پنجره را ببندم و پرده را بکشم؛ اما این کار را نمی‌کنم. مرض دارم. مامان‌جان اگر بیدار شود و ببیند پرده و پنجره باهم باز هستند یک هفته کرفلکس‌م را قطع می‌کند. درِ اتاق را بسته‌ام. به قطار سنجاق قفلی‌ها، که روی چهل‌تکه‌ی روتختی‌ام ردیف شده‌اند و قرار است گردن‌بندم شود، نگاه می‌کنم. فکر می‌کنم من هم شبیه خانم‌های متشخص خواهم شد. اگر صدای پا بیاید باید بپریم و سنجاق قفلی‌ها را قایم کنیم. فکر گردن‌بند، من را کشته‌است. باید یواش‌یواش سروکله‌ی بچه‌ها پیدا شود. منتظر سوت شهابم. سوت که بزند، باید بپریم بروم بازی؛ اما قبل از آن، باید گردن‌بند را تمام کنم. حتی یک‌لحظه هم از فکر خانمِ عشقِ روباه بیرون نمی‌آیم. حتی یک‌لحظه. همه‌ی همسایه‌ها فکر می‌کنند دیوانه‌است. بعضی‌ها هم از کنارش رد نمی‌شوند و فکر می‌کنند نزدیک شدن به آن خانم حرام است. البته من نمی‌دانم حرام یعنی چه و معتقد بودن، یعنی چی؟ اما فهمیده‌ام که چون